

احمد ضیا صدیقی سپهر:

## بحران اقتصادی ادواری سیستم جهانی سرمایه داری

### ( سقوط بازارهای مالی جهان )

ورود:

در اوضاع کنونی جهان، که شیوه تولید مدرن سرمایه داری در سرتاسر جهان به سرعت گسترش می یابد و همه چیز قربانی ارزش سرمایه و افزایش سود میشوند، پرداختن به چگونه گی عوامل بحرانهای اقتصادی سیستم جهانی سرمایه داری و پیامدهای آنها برای ما با اهمیت پنداشته میشود، زیرا با بیان و تحلیل عوامل این بحرانهای و درک دقیق پیامدهای آنها در گذشته، در خواهیم یافت که مدافعان و سکنداران نظام حاکم جهان کنونی در عصر ما، یعنی در دوران " نظم نوین جهانی "، چه تجویزی برای علاج بحرانهای مزمن اقتصادی نظام سرمایه داری اتخاذ مینمایند و عملکرد و پیامدهای این تجویزها برای آینده بشریت منجمله سر زمین جنگزده ما چه خواهد بود.

به باور ما پرداختن به تحلیل و مطالعه روندی که در حال حاضر در پیش چشمان ما جریان دارد ما را در دستیابی به ریشه های معضلات کنونی جهان از جمله کشور و منطقه ما یاری خواهد رسانید.

در این نوشتار تلاش مینمایم تا به این مسأله پردازیم که:

نظام جهانی سرمایه داری که خشونت بار است، خواهان رقابت است، بحران زاست، فلاکت و جنگ و نابودی تولید میکند و در سراسر جهان فقر، بیکاری جمعی و نابرابری خشن اجتماعی به وجود می آورد، آیا قابلیت حل بحرانهای دورانی اقتصادی خویش را دارد؟.

## بحران جاری مالی جهانی:

بحران ظاهراً آرام جاری اقتصادی سیستم جهانی سرمایه داری پس از انتشار اخبار حاکی از سقوط بازار های مالی جهانی در اگست ۲۰۰۷ متبازر تر گردیده، شاخص بهای سهام در اکثر بازار های مهم اروپا و آسیا به شکل قابل توجهی طی روزهای اخیر کاهش یافت، کاهش سریع بهای سهام در بازار های جهانی زیان هنگفتی را برای سهامداران بار آورد.

سقوط بهای سهام در اکثر بازار های بورس جهان در واکنش نسبت به گزارشهای در باره بروز دشواریها در مورد فعالیت مؤسسات اعطای وام درجه دوم مسکن در آمریکا آغاز شد. در مقابله با سقوط بهای سهام، طی یک هفته بانگ مرکزی ایالات متحده آمریکا حدود ۸۸ میلیارد دالر و بانک مرکزی اروپا بیش از ۲۰۰ میلیارد دالر به بازار تزریق کردند، بانک مرکزی چپان نیز برای سومین بار در طول یک هفته به تزریق پول در بازار مبادرت ورزید و بیش از یک تریلیون ین ( معادل ده و نیم میلیارد دالر ) در اختیار سیستم بانکی قرار داد، بانک های آسیایی در روز ۱۷ اگست ۲۰۰۷ به منظور مقابله با ادامه روند نزولی بهای سهام به مداخله به بازار روی آوردند و به تزریق پول به بازار اقدام نمودند ولی با وجود تزریق بی سابقه پول به بازارهای جهانی، از کاهش بهای سهام و هجوم سهامداران در بازار های جهانی برای فروش سهام شان جلوگیری به عمل نیامد.

بانکهای بزرگ بریتانیا نیز از این بحران مالی و محدودیت های مالی جهانی بی تأثیر نماند. مشتریان " نوردن راک " بانک رهنی بزرگ بریتانیا برای خارج کردن پس انداز های خود در صف ایستاده اند، در آغاز سپتامبر ۲۰۰۷ این بانک برای پرداخت دیون خود ناگزیر گردید از بانگ مرکزی بریتانیا در خواست وام اضطراری نماید، مشتریان آن طی یک هفته حدود دو میلیارد پول خود را از این بانک بیرون کشیدند.

گرچه آلیستردارلینک وزیر دارایی بریتانیا گفت: " بانک انگلستان ( بانک مرکزی) برای ایجاد سیستم با ثبات بانکی مداخله کرده است و مردم میتوانند از حسابهای خود طبق معمول استفاده کرده اقساط بانکی خود را مانند همیشه پرداخت کنند." ولی دارنده گان پس انداز برای کشیدن پولهای خویش در عقب دروازه های شعبه های بانک مذکور صفوف خود را طولتر کردند.

با بی اثر ماندن اقدامات کشور های مختلف سرمایه داری جهان برای مقابله با سقوط بازار اسبام، و جلوگیری از ادامه کاهش سقوط آن، بانک مرکزی امریکا اعلام نمود که نرخ بهره بانکی را کاهش میدهد.

گرچه در هفته اخیر اگست ۲۰۰۷ بعد از سقوط بهای سهام در بورسهای عمده جهان، ظاهراً " آرامش " دو باره به این بازارها بازگشته و شاخصهای قیمت سهام نشانه هایی از بهبود را از خود نشان داد، از جمله شاخص قیمتها در بورسهای لندن و فرانکفورت اندکی افزایش یافت یا به بیان دیگر حرکت سریع نزولی بهای سهام متوقف گردید، ولی هنوز هم بازار های بورس امریکا نتوانسته تا کنون به آرامش قبلی برگردد.

در حال حاضر افزایش نرخ بهره بانکی در آمریکا و کاهش قیمت مسکن همراه با ناتوانی دارنده گان وام درجه دو در پرداخت اقساط منازل، خود به محدودیت های اعتباری بانکهای تجارتي منجر شده. شبکه های بانکهای تجارتي در صدد محدودیت تسهیلات اعتباری اند. سهامداران نگران اند که از دسترسی به نقدینگی مورد نیاز محروم شوند، با وضع محدودیتهای اعتباری بانکی، مصرف کننده گان از امکانات مالی کمتری برای خرید کالا و خدمات برخوردار خواهند گردید.

بعد از آغاز بحران مالی جهانی بانک مرکزی آمریکا بتاريخ ۱۸ سپتامبر ۲۰۰۷ نرخ بهره را به اندازه نیم فیصد ( از ۵،۲۵ به ۴،۷۵) کاهش داد به تعقیب این کاهش تحلیل گران امور انرژی در شرکت " سیتی گروپ فیوچرز " در نیویارک گفت: " این حرکت تایید میکند که اقتصاد آمریکا شکننده است و تلاشها برای پرهیز از یک رکود کامل از طریق کاهش نرخ بهره میتواند موفق باشد و یا نباشد، اما این نشان میدهد که بانک مرکزی احتمال رکود را جدی گرفته است."

کارشناسان اقتصادی پیشبینی می نمایند که این مسأله به تعمیق بحران اقتصادی در آمریکا خواهد افزود.

اگر چه مقامات مالی آمریکا شرایط اقتصادی این کشور را قناعت بخش دانسته اند و نسبت به ادامه رشد اقتصادی ابراز اطمینان کرده اند ولی اغلب تحلیل گران اقتصادی به این باور اند که آمریکا به سوی شرایط رکودی حرکت میکند.

با توجه به بزرگی اقتصاد آمریکا و وابسته گی اقتصاد جهانی به بازار های وارداتی این کشور بدون تردید میتوان گفت که رکود اقتصاد آمریکا به سرعت به شرایط اقتصادی سایر کشور ها تاثیر منفی می گذارد.

در این جا لازم است تا این نکته توضیح گردد که، دولت ایالات متحده آمریکا که تهیه کننده تمام آمار اقتصادی آن کشور است هنوز تعریف رسمی برای رکود و یا افت اقتصادی و بحران اقتصادی و تفاوت میان این دو تعیین نکرده است. در این رابطه دکتر مرتضی محیط، نویسنده و تحلیلگر مسأله های اقتصادی در اثر معروف خویش که تحت عنوان " چه خواهد شد؟ بحران آرام جهانی و آینده آن " نگاشته است: (بر سر تعریف رکود و بحران اقتصادی، میان اقتصاد دانان نیز اختلاف وجود دارد. آمار گران دولتی بر سر این مسأله اتفاق نظر دارند که هر گاه مجموع بازده تولید و بهره وری کار در بخش صنعت، کشاورزی و خدمات، به مدتی بیش از شش ماه کاهش یابند، چنین وضعی نشانه رکود یا افت اقتصادی است. تعیین آغاز و یا پایان دوره های افت اقتصادی بر پایه این معیارها توسط " کمیته زمان بندی دوره های اقتصادی " صورت میگیرد.)

معیار دیگری که در سالهای پیش برای سنجش سلامت اقتصادی بکار برده میشد درجه اشتغال بود، تعریف اشتغال کامل طبق مصوبه ۱۹۷۸ - " اشتغال و رشد موزون " آن است که میزان بیکاری از ۳% بالاتر نرود. طبق این تعریف اگر شمار بیکاران از ۳% بالاتر رود، اقتصادی در حالت رکود خواهد بود. ولی مقامات رسمی دولت آمریکا پابند به این معیار نیست. در سالهای دهه شصت دولت آمریکا تعریف اشتغال کامل را

از ۳٪ به ۴٪ افزایش داد، از آن پس دولت مذکور کدام تعریفی برای اشتغال کامل تعیین نکرده اند.

به نظر اقتصاد دانان مدافع نظام سرمایه داری اکنون ۵٪ تا ۶٪ بیکاری میزانی طبیعی بنظر میرسد. باید در نظر داشت که آمار رسمی اشتغال، به هیچ وجه نمیتواند نشان دهنده واقعیت موجود بیکاران جامعه باشد، لشکر بیکاران به مراتب بزرگتر از آمار رسمی دولتهاست. برخی از اقتصاد دانان به این باور اند که، قدرت خرید یک خانواده متوسط باید به عنوان معیاری مهم به معیارهای بالا افزود گردد.

از دید اغلب تحلیل گران امور اقتصادی، بحران مالی جاری جهان در واقع بیانگر ظهور بحران دورانی اقتصادی سرمایه داری جهانی است که عمدتاً ناشی از بحرانهای دوره ای سرمایه داری توسعه یافته میباشد یعنی بحرانی که با سیستم سرمایه داری همزاد است و در حال حاضر پیچیده گیها و زوایای خاص را دارا میباشد.

گرچه نیاز جدی دیده می شود که عوامل و انگیزه های ظهور بحران جاری اقتصادی سرمایه داری و پیچیده گیها و زوایای درونی آن توأم با تأثیرات آن بر زنده گی اقتصادی میلیاردها انسان زحمت کش مورد مطالعه، بررسی و تحلیل قرار گیرد، ولی در این مبحث برای ما مقدر نیست تا به تجزیه و تحلیل تیوریک و ریشه یی بحرانهای دوره ای اقتصادی منجمله بحران کنونی پردازیم، در این نوشتار صرفاً کوشش به عمل می آید تا برخی نکات ضروری را در این زمینه مطرح بداریم.

## **بحران اقتصادی:**

بحران اقتصادی عبارت از پیدایش " اضافه تولید" یعنی مملو گردیدن بازار از کالاهایی که خریدار قدرت خرید آنها ندارد. الزاماً زمانی که کالا به فروش نرسد تولید کالا نیز کاهش یافته متوقف میشود و در پی آن تعطیل کارخانه ها و بیکاری وسیع و ملیونی کارگران و کارکنان ظهور مینماید یعنی لشکر بیکاران طویل تر میگردد، و باز هم در نتیجه کاهش قدرت خرید، فروش کالاها بیشتر دشوار تر گردیده و بر عمق بحران می افزاید، سیستم اعتباری سرمایه داری از کار باز میماند، قرضداران توان

پرداخت قروض خود را در سر موعد از دست میدهند، بهای سهام شرکتها در بازار تنزیل میکند، مؤسسه های سرمایه داری یکی پس از دیگری ورشکست میشوند .

یکی از ویژه گیهای بحران های اقتصادی ادواری این است که در هر دور باز تولید سرمایه داری بعد از ظهور بحران اقتصادی، ناگزیر باید مراحل رکود یا کسای طی گردد تا بعد از افت، مجدداً اقتصاد وارد مرحله آغاز رونق نوین و مرحله رونق گردد، سرعت و مدت یک مرحله بحران وابسته به عمق آن بحران است.

جوزف استیگلیتز برنده جایزه نوبل اقتصاد در سال ۲۰۰۱ در اثر معروف خود " جهانی سازی و مسائل آن " در رابطه به بازگشت بحرانهای اقتصادی به وضع عادی نگاشته: ( از نظر وال استریت، یک بحران وقتی که متغیر های پولی و مالی کشور بازگشت به وضع عادی را آغاز کنند، تمام شده تلقی میشود. مادام که نرخهای ارز تضعیف میشوند یا بهای سهام در حالت افت است ، معلوم نیست که پایان این سیر نزولی کجاست. ولی وقتی این سیر نزولی به آخر رسید، حد اقل این است که جلو زیان بیشتر گرفته میشود و بدترین وضعیت شناخته شده است. با این حال، برای بهبود کامل اقتصاد، تثبیت نرخهای ارز یا نرخهای بهره کافی نیست . افراد با نرخ بهره یا نرخ ارز زنده گی نمیکنند. کارگران شغل و دستمزد میخواهند. اگر چه ممکن است نرخ بیکاری و مزد های واقعی شروع به برگشت کرده باشند، اما از نظر کارگری که هنوز بیکار است، و یا یک چهارم در آمدش را از دست داده، اینها کافی نیست . بهبود واقعی وقتی است که کارگر به سر کارهای شان برگشته باشند و مزد ها هم به سطح بیش از بحران رسیده باشد.)

باید این مسأله را در نظر داشت که این بحرانها از این ناشی نمیشوند که میزان تولیدات از میزان نیازهای مصرفی انسانهای روی زمین پیشی میگیرند، بلکه در واقع میزان تولیدات فراتر از آن میزانی است که قابلیت فروش با حد اقلی معینی از سود را در بازار دارد. در شرایطی که مبرم ترین نیازهای اولیه میلیارد ها انسان در سر تا سر کره زمین برآورده نمیشوند چنین پدیده به جز از توهین و تحقیر بشریت از جانب نظام سرمایه چه چیزی دیگری نمیتواند تلقی گردد. امحاً انبارهای بزرگی گندم، قهوه

و سایر کالاهای مورد نیاز مردم " اضافه تولید " به وسیله سرمایه داران در شرایطی که ملیونها انسان زحمتکش به مواد غذایی دسترسی نداشتند، هنوز در حافظه تاریخ درج است.

اگر به پیشینه تاریخی بحرانهای اقتصادی نظر اندازیم درمیابیم که بحرانهای دوره ای که در اثر تکامل سیستم سرمایه داری بوجود آمده، عمدتاً به ربع دوم قرن نوزدهم بر میگردد. طی هر دوره زمانی که چنین بحرانهایی پیش میآید توقف سریعی در رشد اقتصادی بوجود آمده و شبکه اقتصادی جهانی را در تحت تأثیر قرار میدهد. مطالعه و ارزیابی بحرانهای اقتصادی و اجتماعی جهانی نشان میدهد که سیستم سرمایه داری از بدو پیدایش خود با بحرانهای اقتصادی توأم بوده و بحرانهای ادواری را از سر گذشتانده است و هر بار سیاه روزی و فقر را برای کارگران و زحمتکشان جهان به ارمغان آورده.

نخستین بحران بزرگ اقتصادی در سال ۱۸۲۵ در انگلستان پدید آمد و سپس هر ۸ تا ۱۲ سال یکبار تکرار شده و هر کشوری را که وارد سیستم سرمایه داری شده بود فرا گرفت.

مشهور ترین بحران ثبت شده مربوط به رکود وسیع اقتصادی جهانی سالهای ۱۹۲۹ تا ۱۹۳۳ بود. در این بحران بزرگ اقتصادی حجم تولید در جهان به کمتر از نصف میزان قبل از بحران رسید، و بزرگترین کشورهای سرمایه داری از نظر حجم تولید به سطح تولید ۲۰ تا ۳۰ سال پیش از تاریخ بحران برگشتند، چهل میلیون کارگر از کار بیکار شد و به لشکر بیکاران قبل از بحران افزودند، هزارها مؤسسه ورشکست شد، ضرری که از این بحران به اقتصاد جهان وارد گردید بیشتر از خسارات ناشی از جنگ اول جهانی بود. قربانیهای این بحران اقتصادی بیشتر از همه، کارگران، تولیدکننده گان و سرمایه داران کوچک بودند.

از بحران سالهای ۱۹۳۳ - ۱۹۲۹ به بعد بر اثر تنظیم دولتی - انحصاری اقتصادی، با آنکه دوران بحران کوتاهتر شد ولی در ادواری بودن باز تولید سرمایه داری تغییری رخ نداده است.

طی دوره بعد از جنگ جهانی، دوره نسبتاً طولانی رونق اقتصادی بوجود آمد در سال ۱۹۷۳ دوره رونق فعالیتهای اقتصادی به ناگاه ضعیف گردید و در سال ۱۹۷۴ و اوایل سال ۱۹۷۵ به بحرانی مهم و عمیق در کشورهای سرمایه داری جهانی مبدل گشت. این بحران در نیمه دوم سال ۱۹۷۵ پایان یافت و به سرعت تبدیل به دوره رونق اقتصادی طی نیمه اول سال ۱۹۷۶ گشت.

### **چگونه گی حل بحرانهای اقتصادی نظام سرمایه داری:**

سوال اساسی این است که آیا نظام سرمایه داری جهانی قابلیت حل بحرانهای دورانی اقتصادی خویش را داراست؟ برای دریافت پاسخ دقیق لازم است تا به نکات نظر برخی از برجسته ترین اقتصاد دانان جهان، مختصراً مکتب بداریم.

جان مینارد کینز اقتصاد دان برجسته جهان سرمایه داری که بحران بزرگ سال ۱۹۳۰ را شاهد بود برای حل بحران اقتصادی به این نتیجه رسیده بود که بازار آزاد دارای نقایصی است، باید دولت در زمانی که بحران های سخت اقتصادی به شدت افزایش میابد مداخله نماید (البته در چهار چوب نظام سرمایه داری) کینز می خواست دولت به گونه دخالت نماید که جمع هزینه های دولت و سرمایه گذاری خصوصی (هزینه های بخش خصوصی) ثابت بماند به عبارت دیگر در زمان رکود و بحران یعنی زمانی که بخش خصوصی نسبت به سرمایه گذاری بی تمایل میشود، دولت با افزایش هزینه ها از عمیق شدن بحران جلوگیری نماید. کینز به خوبی میدانست که هزینه بیشتر دولت به معنای کسر بودجه و تورم میباشد ولی تصور او این بود که با خارج شدن اقتصاد از رکود و افزایش درآمدهای دولت در مراحل بعدی کسر بودجه و تورم قابل کنترل است.

کینز این اقتصاد دان شهیر می خواست اقتصاد سرمایه داری را از بی ثباتی و بحران نجات دهد، تیوریهای او مبنای سیاستهای اقتصادی سیستم سرمایه داری برای چهار دهه قرار گرفت، ولی هیچ یک از تیوریهای او نتوانست سیستم سرمایه داری را از وقوع بحرانهای دورانی اقتصادی نجات دهد.



"میلتون فرید من" اقتصاد دان برجسته و از بنیان گذاران مکتب پولی شیکاگو برندهٔ جایزه نوبل در اقتصاد سال ۱۹۷۶، تا حدی زیادی در تقابل نظریات جان مینارد کینز پایه گذار اقتصاد نیولیبرالیسم است. "فرید من" دخالت دولت را نا مطلوب پنداشته خواهان پول و قدرت خرید با ثبات بود. "فرید من" میکوشید اقتصاد سرمایه داری را "از دست تورم های سرکش و همراه با رکود و دولتهای بزرگ برهاند".

تورم های بی سابقه در دهه ۱۹۷۰ و پدیدهٔ تورم همراه با رکود اقتصادی که در بسیاری از کشورهای جهان در این دهه ظهور نمود فضا را برای نظریات کینز تغییر داد و زمینه را برای توجه بیشتر به نظریات فرید من پدید آورد.

جوزوف استیگلیتز برندهٔ نوبل اقتصاد سال ۲۰۰۱، بر نظریات فرید من و سیاستهای منتج از آن به خصوص برای کشورهای جهان سوم ایراد گرفته آن نظریات را مورد نقد قرار داده و خواهان نقش لازم دولت شده اند. استیگلیتز در اثر معروف خود (جهانی سازی و مسایل آن - فصل نهم - راه پیش رو- ۲۶۷) نگاشته: (بزرگترین نارسایی بازارها تنزیل دوره ای آنها، یا رکود و کساد، است که طی دو صد سال گذشته، نظام سرمایه داری گرفتار آن بوده و باعث شده که کارگران بیکار شوند و بخشی بزرگی از سرمایه ها بلا استفاده بماند. اما در حالیکه اینها نمونه های بارز نارسایی های بازار هستند، نارسایی های کوچک بی شماری هم وجود دارد، مواردی که در آن بازارها نتوانسته اند نتایج کارآمدی حاصل کنند.

دولت نه فقط می تواند در تخفیف این نارسایی ها نقش اساسی هم داشته باشد، بلکه میتواند از وجود عدالت اجتماعی اطمینان حاصل کند، اگر فرآیند بازار به خودشان رها شوند، ممکن است منابع ناچیزی برای گذران زنده گی در اختیار افراد بگذارند).

طوریکه به ملاحظه میرسد محتویات اساسی تاریخ نظام سرمایه داری از اوآخر قرن نزد هم بدین سو عبارت از تلاش نماینده گان و سکانداران این نظام برای دریافت علاج بیماری سرشتی و مزمن اقتصاد سرمایه داری یعنی بحرانهای دورانی اقتصادی

این نظام بوده است. ولی تاریخ نظام سرمایه به وضاحت این حقیقت انکار ناپذیر را بیان میدارد که تصور سرمایه داری بدون بحرانهای ادواری رویایی بیش نیست.

برخی محققین و دانشمندان عرصه علم اقتصاد، کوششها و تلاشهای را که از طرف اندیشه پردازان، مدافعان و اسکانداران این نظام به منظور علاج و یا رفع بحرانهای مزمز اقتصاد سرمایه داری صورت گرفته در سه نوع عوامل درمانی خلاصه کرده اند:

۱- اختراعات دوران ساز،

۲- کشودن سرزمینهای جدید،

۳- جنگ.

نکته قابل تذکر اینکه، از میان سه کتگوری از عوامل درمان کننده تنها عامل " اختراعات دوران ساز " از درون نظام سرمایه داری سرچشمه گرفته است گرچه این عامل هم درمان موقتی است و قابلیت حل بنیادی بحرانهای دورانی را ندارد اما با آنهم نظر به سایر عوامل، دانشمندان عرصه اقتصاد، آنرا علاج منطقی و مفید خوانده اند.

اما تاریخ نظام سرمایه گواه بر آن است که نتیجه نهایی عاملهای درمانی چون " کشودن سرزمینهای جدید " و " جنگ "، عمدتاً در پهلوی سایر فکتورها باعث اسارت و عقب مانده گی تدریجی بخش بزرگی از بشریت و انهدام دهها ملیون انسان در اروپا و دیگر بخشهای جهان بوده است.

گرچه بعد از جنگ جهانی دوم تیوریهای جدید، تدابیر و راهکارهای نوین برای درمان بحرانهای اقتصادی چون گسترش فرهنگ مصرفی و گسترش بوروکراسی دولتی بوجود آمده ولی تاثیر اقتصادی شان نسبت به سه عامل فوق بسیار محدود بوده است.

از آنجا که بیان و تحلیل تمام عوامل فوق در این نوشتار مقدور نیست بناً با در نظر داشت اینکه جنگ به عنوان یک عامل اساسی در رفع بحران و رونق نوین اقتصاد سرمایه داری نقش ویژه ای را دارا بوده و نماینده گان و مدافعان واقعی نظام سرمایه بیشتر به این عامل تاکید میدارند عجالتاً به صورت مختصر به عامل جنگ میپردازیم.

## ادامه دارد

پینویسها:

از منابع زیر در این نوشتار استفاده بعمل آمده است:

بحران اقتصادی و اجتماعی جهان نویسنده: فیدل کاسترو،

فراسوی سرمایه - بحران ساختاری نظام سرمایه داری، نویسنده: ایستوان مزاروش،

سوسیالیسم یا بربریت، اسناد کنگره انتر ناسیونال چهارم، مترجم: رامین جوان،

صفحات سایت انترنیتی بی.بی.سی و دیگر سایت های خبری،

چه خواهد شد؟ " بحران آرام " جهانی و آینده آن - نویسنده: دکتر مرتضی محیط،

جهانی سازی و مسائل آن، نویسنده: جوزوف استیگلیتز،

مانفیست، پس از ۱۵۰ سال، نویسنده: لئوپانیچ - کالین لیز،

جهانی سازی - راه پیش رو، نویسنده: جوزوف استیگلیتزنز،

بحران در بحران - یادداشت سیاسی، نویسنده: رضا داود،

چرخشهای یک ایدئولوژی، نویسنده: ولفگانگ لیونادر،

*[www.ayenda.org](http://www.ayenda.org)*